



Received:
2024-03-08
Revised:
2024-06-25
Accepted:
2024-11-10
Published:
2024-11-12

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Yemen's association with Gaza: a geopolitical manifestation of Islamic resistance to the removal of security built by the Zionist regime by the domination system

Kazem Aali Begi¹ | Ali Hamzapour² | Ali Karimzadeh³ | Cyrus Hajizadeh⁴ | Mohammad Amiri⁵

Abstract

The Zionist regime, as an agent of the domination system in order to monitor the Middle East region and manage the regional governments, was attacked by Hamas in the south of the occupied territories during the Al-Aqsa storm operation. Relying on the comprehensive support of the United States and several European countries caused the crisis to be transferred beyond the borders of occupied Palestine and the formation of an unwritten regional alliance between the axes of resistance against Israel to end the dominance of the West in the Middle East and to unite the resistance groups in the region in defense of the people's freedom struggles. In the meantime, Yemen's official intervention in the war in the form of naval operations against Zionist vessels or carrying goods and items belonging to the Zionists is considered a very important turning point from a military and geopolitical point of view. And it is overcoming distances, but also a kind of territorial power expansion, geopolitics of Islamic resistance in the face of the hegemonic power of the domination system. This research uses Wallerstein's world system theory and analytical-descriptive method in order to answer the question, "What is the effect of Yemen's Ansarullah's military actions against Israel in the Gaza crisis?"

Keywords: Al-Aqsa storm; Sultanate regime; Yemen; Islamic resistance; Zionist regime.

1. Corresponding author: PhD student of West Asian Regional Studies, Imam Hossein University, Prophet's Research Institute, Tehran, Iran
yousefvand.yagoob@gmail.com
2. Academic staff of Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Prophet, Tehran, Iran
3. Academic staff of Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Prophet, Tehran, Iran
4. Academic staff of Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Prophet, Tehran, Iran
5. Researcher at Imam Hossein University, Faculty and Research Institute of the Prophet, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.3.0





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



صورت‌بندی مبانی نظری نفوذ از منظر اطلاعاتی (مکاتب، سطوح، رویکردها، حوزه‌ها و ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی)

کاظم عالی بیگی^۱ | علی حمزه پور^۲ | علی کریم زاده^۳ | سیروس حاجی زاده^۴ | محمد امیری^۵

چکیده

نفوذ در ارتباطی متقابل، به عنوان یکی از ابزارهای کسب، حفظ و افزایش قدرت قلمداد گردیده است که همواره با تغییر ماهیت و کارکرد قدرت، شاهد تغییر ماهیت و کارکرد آن، هستیم. مفهومی که در طول تاریخ، شاهد دگرگونی و تکامل ماهیتی و کارکردی آن، در قالب مبانی و مولفه‌ها به صورت متفاوت و متناوب هستیم. در این نوشتار سعی شده است با یک روش توصیفی-تحلیلی و بابه‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای و اسنادی به شناخت رابطه قدرت و نفوذ و متناسباً و ارزیابی جنبه‌های مختلف نفوذ و ارائه یک مبانی نظری جامع و کارآمد از منظر اطلاعاتی پرداخته شود. سوال این پژوهش به این صورت است که نفوذ از منظر اطلاعاتی بر چه مبانی و صورت‌بندی نظری استوار است؟ در این پژوهش نتیجه به این صورت است که نفوذ در طول تاریخ به تناسب ارتباط با قدرت و تغییرمندی ماهیت و کارکرد آن، در سه مکتب سنتی و نوین و فرانونین تکامل یافته است و دارای سطوح عملیاتی سخت، نرم و هوشمند است و بر پایه سه رویکرد عملیاتی تدافعی، تهاجمی و تهاجمی-تدافعی قرار گرفته است و همچنین نفوذ دارای محیط و حوزه‌های عملیاتی مختلفی اعم از سیاسی-امنیتی-نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که همواره به تناسب محیط و حوزه عملیاتی در قالب تکنیک‌ها و ابزارهای عملیاتی متناوب از سوی یک بازیگر در قبال دیگری اعمال گردیده است.

کلیدواژه‌ها: نفوذ، مکاتب، سطوح، رویکردها، حوزه‌ها، ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا، دانشگاه جامع امام حسین^(ع) پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، تهران، ایران. yousefvand.yagoob@gmail.com
۲. هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، تهران، ایران
۳. هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، تهران، ایران
۴. هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، تهران، ایران
۵. پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین^(ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.3.0



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

نفوذ از منظر اطلاعاتی همواره به عنوان یک ابزار مهم و کارآمد برای کسب حفظ و افزایش قدرت در میان بازیگران سیاسی بوده است که در طول تاریخ متناسب با تغییرمندی ماهیت و کارکرد قدرت در نوسان تغییر و تحول قرار گرفته است. به نحوی که با تحول در سطوح قدرت (سخت، نرم، هوشمند) شاهد تغییر و دگرگونی در ماهیت و کارکرد نفوذ در گذر زمان هستیم. براین اساس «نقش ابزاری در سیکل قدرت» و «ماهیت اطلاعاتی و متغیر» معیارهای دوگانه‌ای برای نفوذ هستند که باعث گردیده‌اند که امروزه نفوذ به عنوان یک امر حیاتی و بستر شبکه‌ای برای بازیگران مختلف روابط بین‌الملل تبدیل شود که وارد شدن به بازی آن، امری اجباری و بدون دعوت برای تمامی بازیگران قلمداد گردد به نحوی که هر بازیگر مجبور است خواه ناخواه با علائم و پارمترهای آن در شرایط مختلف دسته و پنجه نرم کند. در این شرایط اگر بازیگری نتواند نوع نگرش خود به نفوذ را بروزرسانی کند و مبانی و معیارهای نظری خود را در حیطه نفوذ به خوبی مورد شناخت قرار دهد، نتنها نمی‌تواند از دیگران به روش‌های گوناگون کسب اطلاعات کند، بلکه دیگران از او اطلاعات کسب خواهند کرد و همچنین نتنها از محافظت اطلاعات مهم خود در قبال نفوذ دیگران ناکام می‌ماند بلکه همواره مجبور است تراکنش نفوذ اطلاعاتی و ترزریق اطلاعات فریب سایر بازیگران را در عرصه‌های مختلف نسبت به محیط درونی خود تحمل کند. بنابراین می‌توان اذعان داشت که در جهت بهره‌مندی از این ابزار کارآمد، نیازمند تقویت پتانسیل‌های درونی و شناسایی محیطی درست در پرتو بروزرسانی و بکارگیری بنیان‌ها و صورت‌بندی‌های نظری نفوذ در قالب مکاتب، سطوح، رویکردها و حوزه‌ها و ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی هستیم.

موضوع پژوهش حاضر مبنی بر صورت‌بندی «مبانی و صورت‌بندی‌های نظری نفوذ از منظر اطلاعاتی در چارچوب مکاتب، سطوح، رویکردها، حوزه‌ها و ابزارهای عملیاتی است و سوال اصلی آن به این صورت طراحی گشته است که نفوذ از منظر اطلاعاتی دارای چه مبانی و صورت‌بندی‌های نظری است؟ نتیجتاً در این پژوهش سعی بر آن شده است به توضیح مبانی نظری نفوذ

بر پایه مکاتب فکری و همچنین کارکردی‌های عملیاتی بر پایه سطوح، رویکردها، ابزارها و تکنیک‌ها و حوزه‌های عملیاتی مختلف نفوذ پرداخته خواهد شد.

ادبیات نظری

معنای لغوی نفوذ

در فرهنگ لغت استاد حسن عمید، معنای لغوی نفوذ به فرورفتن تیر در نشانه و بیرون آمدن آن از طرف دیگر و یا اساساً اثر کردن و جاری بودن امر و حکم تعبیر شده است. (عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۲۵) استاد علی اکبر دهخدا در لغت نامه نیز معنای نفوذ را معادل جاری شدن و مطاع بودن حکم و امر و همچنین اثرگذاری بر دیگران بیان نموده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۶۴۳) از سوی دیگر معادل انگلیسی نفوذ در اصطلاح علوم سیاسی واژه Influence است و به معنی کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌نماید. (webster, 2003: 641).

تعریف کلی نفوذ

نفوذ که در قلب عرصه سیاست جای دارد و در مرکز تحلیل سیاسی در طول تاریخ بوده است. (دال و بریکتر، ۱۳۹۲، ۴۲) همواره به عنوان یکی از منابع و مولفه‌های قدرت در طول تاریخ می‌توان آن را قلمداد کرد (عالم، ۱۳۹۴: ۹۷) اما با وجود جایگاه نفوذ در عرصه قدرت و سیاست، به دلیل اختلافات شایان توجه در مورد نوع نگاه به آن همواره تعاریف متعددی در میان پژوهشگران داشته است.

رابرت آلن دال و استاین بریکتر^۱، نفوذ را رابطه‌ای مثبت میان کنشگران انسانی که نیازها و خواست‌ها و ترجیحات یا نیات یک یا چند کنشگر بر کنش‌ها و تمایل به عمل یک یا چند کنشگر دیگری را در جهت هماهنگی - و نه مغایرت - با نیازها و ترجیحات نیات نفوذ گذاران قلمداد می‌کنند. (دال و بریکتر، ۱۳۹۴: ۵۰) عبدالحمید ابوالحمد در کتاب «مبانی علم سیاست» نیز با عنایت به همخوانی نزدیک مفاهیم نفوذ و قدرت اساساً نفوذ را توانایی معنوی و داشتن حق رهبری و فرماندهی تعریف می‌کند و قدرت را به داشتن امکانات مادی جهت اجبارسازی دیگری به

1 Robert Alan Dahl and Bruce Stein Brickner

فرمانبری و اطاعت تشریح می‌گرداند. (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۷۴) جوزف نای^۱ با تاکید بر زمینه و بستر سیال قدرت به تقسیم بندی ماهیت متغیر قدرت، در سه حوزه سخت و نرم و هوشمندپرداخته است. (نای، ۱۳۹۲: ۴۸) و اساساً نفوذ را به عنوان ابزاری در حوزه قدرت تعریف می‌کند که هم می‌تواند بر اجبار و تهدیدات و هم بر اقناع و پاداش‌ها استوار باشد. لذا از نظر او نفوذ صرفاً قدرت نرم نمی‌باشد چراکه ملاک اساسی در قدرت نرم توانایی جذب و جذابیت (اقناع سازی) است و نفوذ در یک معنای گسترده تر شامل حوزه سخت (تهدیدات) نیز می‌شود. (Nay, 2004: 6) به هر حال می‌توان ادعان داشت که در یک تعریف کلی نفوذ رابطه‌ای است که در آن، فردی دیگری را به کار دلخواه خود وا می‌دارد، بدون آنکه فرد دوم احساس کند که وادار شده است. اغلب وادارکننده فاقد امکانات مادی و ابزار است و فرد نفوذ پذیر در موقعیتی به سر می‌برد که اگر اراده کند، می‌تواند خلاف خواست فرد نفوذ‌گذار عمل کند. (گوهر مقدم و کیانی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۶۱)

تعریف عملیاتی نفوذ از منظر اطلاعاتی

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در یک گزارش مهم تحت عنوان «نفوذ و ضد نفوذ: مفاهیم، ابعاد و انواع» یک تعریف عملیاتی با تاکید بر بستر چرخه اطلاعات، از نفوذ به عمل آورده است در این گزارش «نفوذ را تلاشی اطلاعاتی در جهت دستیابی به اطلاعات حیاتی و حساس یک بازیگر دیگر و تزریق اطلاعات هدفمند در جهت تحقق اهداف مورد نظر خود تعریف می‌کند، تعریفی که در یک تقابل و تکامل معنایی با ضد نفوذ یعنی حراست از اطلاعات حیاتی و حساس و جلوگیری از فریب و تزریق اطلاعاتی توسط دیگری معنا گشته است». (بررسی‌های-استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۶) در این پژوهش بر مبنای اطلاعاتی تعریفی که از نفوذ صورت گرفته است به این صورت است که اساساً «نفوذ» پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده و هدفمند در سطوح مختلف سخت، نرم و هوشمند است که از سوی یک بازیگر نسبت به بازیگر دیگری در چارچوب رویکردهای عملیاتی تهاجمی و تدافعی در حوزه‌های مختلفی اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعمال گردیده است که هدف اصلی آن کسب و محافظت و تزریق اطلاعات در قبال دیگری است و پیامد آن تقویت، رخنه‌سازی و اثرگذاری در جهت تغییر

1 Joseph Nye

رویکرد رفتاری در کوتاه مدت و یا تحول در ماهیت وجودی بازیگر موردنظر در بلند مدت است.»

چارچوب نظری: سطوح سگانه قدرت جوزف نای

در این پژوهش از آن جایی که نفوذ به عنوان ابزار کسب، حفظ و افزایش قدرت قلمداد گردیده است و متناسب با تغییرمندی سطوح قدرت دچار تحول گردیده است از چارچوب نظری تقسیم بندی قدرت جوزف نای استفاده شده است که در ادامه به تشریح مباحث هر کدام از سطوح پرداخته خواهد گردید.^۱

سطح اول: قدرت سخت^۲

این سطح از قدرت ریشه در نظم آنارتیکال بین المللی و نبود مرجع برتر قدرت و قانون در سیاست بین الملل دارد. جایی که نظم تفسیری جز بقا و امنیت ندارد و جز از دریچه قدرت ملموس و عینی قابل تحقق نیست. این چهره قدرت جنبه کمی و مادی دارد و در سایه سیاست چماق (تهدیدات) و هویج (پاداش ها) بر رسیدن مستقیم به اهداف تاکید دارد. (Nay, 2004: 256)

تسلیمات نظامی جغرافیا و منابع طبیعی، جمعیت انسانی، اقتصاد و تکنولوژی و... از منابع قدرت سخت به شمار می روند. (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۱۹۷) تفسیر اندیشمندان واقع گرا از قدرت سخت همواره مورد این نقد قرار داشت که با برداشت تک بعدی و سخت افزارانه از قدرت، محیط بین

۱ البته شایان ذکر است که در چند سال اخیر به دلیل سیاست های تهاجمی که چین و روسیه در قبال کشورهای غربی از جمله امریکا اعمال کرده اند، اساسا غربی ها از سطح چهارم قدرت به اسم قدرت برنده یا قدرت تیز (sharp power) صحبت به میان آورده اند که بر اساس این قدرت، از نگاه انها کشورهای مستبد چین و فدراسیون روسیه و حتی ایران با اعمال سیاست های نفوذمند خود در کشورهای دیگر از جمله دموکراتیک موجبات تغییر سیاست ها و رویکرد مخفیانه سیاستمداران در سطح کلان بین المللی و نظرات مردم در سطح عمومی داخلی شده اند این نوع از قدرت ترکیبی از نفوذ، دستکاری و زور است که کلا بر سه اصل: فرسایش مشروعیت نهادهای خارجی، دستکاری برداشت های عمومی مردم (ج فشار بر بازیگران فردی توسط دولت میزبان استوار است. (Richter, 2022: 652) اما با این وجود به دلایلی از جمله الف) مرز نامشخص آن با قدرت نرم و قدرت سخت، ب) غیر ضروری بودن آن به دلیل همپوشانی خصوصیات با مفهوم موجود قدرت هوشمند ج) جوهر ایدئولوژیکی آن که در اصطلاحات آکادمیک پنهان شده است. د) اقدام متقابل ناکارآمد آن برای مقابله با تهدید واقعی و... (shao, 2019: 129) در این پژوهش سعی شده است تا نوع نگاه به این تئوری جدید را همخوان با سطح سوم قدرت جای داده شود و از مولفه های تکنیکال آن در سطح عملیاتی و مولفه های نظری آن در سطح راهبردی در چارچوب سطح سوم قدرت استفاده به عمل خواهد آمد.

2 Hard power

الملل را به ورطه یک مسابقه تسلیحاتی بین‌هایت‌وار کشانیده است و در گرداب معمای امنیتی گرفتار کرد تا جایی که انباشت هر چه بیشتر ادوات جنگی با هدف تولید امنیت در یک محیط آنارشیک، خود به آتش ناامنی و جنگ دامن زد. (Baylis, 2013: 257) از سوی دیگر تاکید بیش از اندازه این نظریه پردازان بر وجه عینی و کمی قدرت، منجر به این امر گشت که قدرت را معادل شروع جنگ تعریف کنند و اساسا تفکیکی میان قدرت واقعی و احتمالی یا بالفعل و بالقوه قائل نباشند و هم اینکه با نگاه تک‌بعدی به قدرت از اشکال و ماهیت غیرمادی قدرت نیز غافل باشند. (ریبی، ۱۳۹۹: ۵۸) به هر حال برای سطح اول قدرت می‌توان شاخصه‌های زیر را برشمرد: رهیافت شناختی پزیتیویستی است. شناخت با ابزارهای عینی و محسوس و کمی، تحقق‌پذیر است.

قدرت صرفا در کمیات و عینیات خلاصه گردیده است.

قدرت قابلیت سنجش و میزان دارد فلذا قابلیت پیش بینی از لحاظ افزایش و کاهش در آینده را دارد.

قدرت به صورت تک‌بعدی صرفا محدود به حوزه نظامی و امنیتی، سیاسی است و حوزه‌های دیگر نظیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زیر مجموعه حوزه نظامی، امنیتی و سیاسی قرار دارند. اعمال قدرت آشکار و محسوس است و از طریق ابزارهای نظامی و مادی انجام می‌گیرد. معمولا بکارگیری قدرت در یک بافتار سنتی و استوانه‌ای صرفا محدود به دولت و حکمرانان است و اساسا به صورت پاره پاره و جز به جز در میان جامعه و اقشار مردم پخش نگردیده است. محیط بازیگران آنارتیکال است و بقا و امنیت مهمترین مولفه این سطح از قدرت را تشکیل داده است.

سطح دوم: قدرت نرم^۱

این سطح از قدرت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تزلزل در نظریه نواقح‌گرایی کنت والتز حیات یافت. حیاتی که با این اصل مکتب انتقادی یعنی ایفای نقش فرهنگ در سیاست و جامعه شروع گشت و با رونمایی از رهیافت شناخت تفسیر‌گرایی در مکتب پست مدرن و رویکرد گفتمانی کامل گردید.

1 Soft power

به عبارتی دیگر با به کارگیری رهیافت شناختی تفسیرگرایانه و به چالش کشیده شدن رهیافت پزیتویستی از یک سو و تاثیر رویکرد انتقادی بر ارتباط گیری فرهنگ و ایفای نقش آن در جامعه و سیاست منجر به نگاهی جدید به قدرت در عالم سیاست شدو اساسا چهره‌ای جدید از قدرت خلق گردید که جوزف نای از آن تحت عنوان قدرت نرم یاد می کند. این سطح از قدرت که در تقابل با سطح اول و سخت قدرت قرار دارد، دارای ویژگی‌های زیر است:

رهیافت شناخت تفسیری است. شناخت با ابزارهای عینی و محسوس و کمی تحقق پذیر نیست بلکه در چارچوبی ذهنی و تفسیری و کیفی انجام می گردد.

قدرت صرفا در کمیات و عینیات خلاصه نمی گردد. اساسا قدرت جنبه‌ای کیفی و نسبی دارد. قدرت صرفا محدود به حوزه نظامی و امنیتی نیست، بلکه شامل حوزه‌های فرهنگی و شناختی نیز می شود.

ماهیت قدرت اغلب پنهان و نامحسوس است و اعمال آن با ابزارهای گفتمانی و شناختی انجام می گیرد.

بکارگیری قدرت در یک بافتار سنتی و استوانه‌ای صرفا محدود به دولت و حکمران نمی شود و اساسا به صورت جز به جز در میان اقشار مردم پخش گردیده است و هر فردی می تواند از آن سهم داشته باشد.

قدرت جنبه اقتناع ساز و ارتباطی دارد. شاید این مهترین و بارزترین خصلت ماهیتی سطح دوم قدرت است که جوزف نای از آن تحت عنوان قدرت اقتناع نام برده است. نای اذعان دارد قدرت در بستری گفتمانی و شناختی، ماهیتی اقتناع ساز و ارتباطی دارد. در واقع قدرت اجبار و کنترل پرهزینه است و ارتباط و اقتناع با جذب کنندگی کمترین میزان هزینه را در رسیدن به اهداف به همراه دارد. لذا سطح دوم قدرت، قدرتی غیرمستقیم است که توانایی شکل دادن بر ترجیحات دیگران را در برمی گیرد. قدرتی که در بستری ارتباطی و گفتمانی، جذب کننده و اقتناع ساز است و به چماق و هویج دیگر نیازی ندارد. (Nay, 2004: 6-8)

1 The power of persuasion

سطح سوم: قدرت هوشمند یا مرکب^۱

ناکارآمدی قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، نظریه پردازان سیاسی را به چاره جویی نظری در خصوص اعمال قدرت در فضای پیچیده جهانی واداشت که حاصل این تلاش تولد مفهومی جدید به نام قدرت هوشمند است. قدرت هوشمند پیش از آنکه به میزان منابع قدرت سخت و نرم کشورها توجه داشته باشد به توانایی و مهارت تبدیل و ترکیب قدرت سخت و نرم در اختیار دولت‌ها توجه دارد. (نای، ۱۳۹۲: ۳۰) در واقع تحولات در عصر جدید و دوران ارتباطات گسترده و فناوری‌های نوین شبکه‌ای شدن ارتباطات در حوزه‌های عمومی و خصوصی، اعمال قدرت هوشمند را امکان پذیر کرده است به عبارت دیگر انقلاب ارتباطات، گسترش فضای مجازی و جهان شبکه‌ای، ظهور بازیگران فرادولتی و در نوردیده شدن مرزهای ملی و مکانی در یک کلام تفوق اندیشه جهانی شدن موجب گردیده که موفقیت در تامین منافع و اهداف بازیگران در این جهان منعطف منوط به سنجش محیط پیرامونی و اعمال اشکال نوین قدرت یعنی سطح سوم قدرت گردد. قدرتی که مخاطبان اصلی آن دولتها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذینفوذ و نهادهای حکومتی است و دارای ماهیتی شهودی است. این نوع از قدرت به واسطه کیفی‌گرایی بر کمیتهای سخت افزارانه تاکید صرف ندارد. قدرت هوشمند پلی است میان امکان و عدم امکان، بین توانایی بلفعل و توانایی بلقوه و ترکیب ماهرانه و هوشمندانه آن‌ها برای رسیدن به هدف، به همین دلیل شاید بتوان گفت که قدرت هوشمند اتحادی پیچیده میان علم و دانش و ارتباطات است. در قدرت هوشمند است که کشور به طور هوشمندانه همه داشته‌های مادی و معنوی منابع قدرت خود را برای کسب مطلوبیت‌ها به کار می‌بندد و هوشمندی همه جانبه‌نگری کار گزاران سیاسی در تولید قدرت هوشمند و تبدیل تهدیدات به فرصت بسیار مهم می‌گردد. در واقع قدرت هوشمند تلفیق مرکب گونه نقاط قوت و حذف نقاط ضعف سطوح سخت و نرم قدرت است. (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۵-۱۴۶) اصطلاح قدرت هوشمند که اولین بار توسط سوزان ناسل^۲ در مقاله «قدرت هوشمند» مطرح شد و جوزف نای در کتاب «آینده قدرت» آن را گستراند. اساسا به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات است به نحوی که منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی و اقتصادی و فرهنگی و ایدئولوژیک

1 Smart power

2 Suzanne Nossel

باید در یک جهت هم سو و هماهنگ باشند تا برآیند آن، تداوم برتری یک کشور را تضمین کند. (Nossel, 2004:1) قدرت هوشمند را نمی‌توان مرحله‌اعلای «قدرت نرم» دانست بلکه قدرت هوشمند ترکیبی از دو قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به راهبردهایی برای شرایطی دگرسان است. (نای، ۱۳۹۲: ۱۶) قدرت هوشمند، قدرت پایدار است چرا که در ذات خود استفاده از ابزارهای قدرت سخت، ابزارهای قدرت نرم و همین‌طور هوشمندی همه‌جانبه‌نگر و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی برای استفاده از آن را دارد. شکل‌گیری قدرت هوشمند را در میان نظریه پردازان عصر حاضر از جمله ژوزف نای را می‌توان محصول پیچیدگی‌های عصر جهانی شدن دانست. تنوع بازیگران رسمی و غیر رسمی و پیچیدگی و سهولت ارتباطات و تفسیر پردازی‌های متنوع از قدرت و نیل به اهداف مستلزم اشاره به نوعی از قدرت ترکیبی و ارتقا یافته در اندیشه این نظریه پردازان از جمله ناسل و نای بوده است تا در پرتو این مفهوم راه‌حلی برای پیچیدگی‌ها و چالش‌های موجود در عرصه تصمیم‌گیری زمام‌داران ارائه کنند و نظمی در خور به حوزه قدرت در روابط بین‌الملل بیخشند. (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۶)

پیشینه پژوهش

مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۴) در یک مقاله‌ای تحت عنوان «نفوذ و ضد نفوذ؛ مفاهیم ابعاد و انواع» در یک روش توصیفی و تحلیلی به ارزیابی نظری و تشریح نفوذ و ضد نفوذ پرداخته‌اند. سوال آنها به این صورت است که منظور از نفوذ و ضد نفوذ چیست؟ نتیجتاً این مقاله با افتراق سازی نفوذ و ضد نفوذ در قالب وجه اطلاعاتی، برگردآوری منابع، خنثی‌سازی، کنترل و اشراف اطلاعاتی در زمینه چرخه اطلاعاتی نفوذ و ضد نفوذ تاکید دارند. به عبارتی نفوذ را در راستای تلاش برای کسب و به دست‌آوری اطلاعات تعریف می‌کند و ضد نفوذ را تلاش برای جلوگیری از درز اطلاعات تعریف می‌نماید.

احمدیان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای در مقاله‌ای تحت عنوان «نظریه نفوذ؛ تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید به ارزیابی نظری نفوذ بر پایه دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری امام‌خامنه‌ای (حفظه...)» پردازد. این پژوهش به ارائه نظریه‌ای در مورد نفوذ بر پایه تبیین ماهیت انواع نفوذ (سخت، نیمه سخت، نرم و مرکب) پرداخته است. در واقع متناظر بر شناخت سه

نوع تهدید سخت و نیمه سخت و نرم و متناسباً سه نوع نفوذ سخت، نیمه سخت و نرم پرداخته است. نفوذ سخت منوط به نفوذ امنیتی و استفاده از جاسوس‌گیری است و نفوذ نیمه سخت در بردارنده تمرکز گرای نفوذ بر سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و نفوذ نرم نیز با تمرکز بر افکار و محاسبات عمدتاً خواص و مسئولان منوط به اخلال در دستگاه محاسباتی است.

فولادی و بناکار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «شیوه‌ها و شگردهای اجتماعی و فرهنگی؛ با تاکید بر نظریه استفاده و خشنودی و نقش شبکه‌های اجتماعی در نفوذ» به ارزیابی نفوذ از منظر اطلاعاتی و شبکه‌ای در عصر دیجیتال با استفاده از ابزار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گسترده پرداخته‌اند. آنها در یک پژوهشی با رویکرد تحلیلی اذعان دارند که امروزه شبکه‌های اجتماعی در سطح ملی و فراملی به صورت رسانه‌های خصوصی و فارغ از کنترل دولت درآمدند و با نفوذ در لایه‌های زیرین زندگی اجتماعی بشر، سبک زندگی و هویت فرهنگی آنان را به شدت متأثر ساخته است. از جمله تکنیک‌های نفوذ اجتماعی و فرهنگی می‌توان به مواردی از جمله؛ اعتماد و محرم اسرار پنداشتن، تمایل و علاقه، تحریک احساسات و عواطف، تدریجی و مستمر بودن ارتباط، سست کردن باورها و اعتقادات دینی، ایجاد اختلافات قومی و مذهبی، ترویج شبهات و بی‌مبالاتی فرهنگی و اخلاقی و... اشاره داشت.

باقری چوکامی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحول پارادایمی نفوذ و ملاحظات امنیتی» در یک روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از تکنیک نظریه پرداز و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی نظری نفوذ می‌پردازد. این پژوهش اذعان دارد که پارادایم‌ها و یا الگوواره‌های هر عصر به دلیل تحولات محیطی، پیشرفت دانش بشری و فناوری‌ها و کارآمدی خود را در توضیح پدیده‌ها و رفتارها از دست داده و ناگزیر به جابه‌جایی پارادایم‌های جدید هستند. فلذا پارادایم نفوذ نیز مشمول بر همین قاعده است و در سیر تاریخی خود دچار تطور شده است. هدف اصلی این پژوهش شناخت ماهیت نفوذ در قرن بیست و یکم و ملاحظات امنیتی متناسب با هویت فرانویین است. نتیجه این پژوهش به این صورت است که پارادایم‌های نفوذ سنتی و نوین محصول قرون گذشته است و توانایی توضیح شرایط جدید را ندارند. پارادایم نفوذ فرانویین به دلیل ماهیت بسیار پیچیده و متنوع و مرکب عصر جاری باید مورد کاربست قرار گیرد.

حمزه پور علی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «نفوذ فکری و فرهنگی و چالش‌های امنیتی پیش رویا تاکید بر مصرف رسانه‌ای نوین در کشور» با اشاره بر مصرف رسانه‌های نوین در کشور ایران نظیر ماهواره و شبکه‌های اجتماعی نوظهور اساسا رسانه را به عنوان ابزار نفوذ فکری و فرهنگی قلمداد کرده است این پژوهش که در یک روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است نتایج آن به این صورت که نفوذ رسانه‌های نوظهور در کشور منجر به تغییر رفتار کلی جامعه و به نوعی ملت‌سازی جدید بر پایه آرمان‌ها و ارزش‌های نظام سلطه می‌گردد که در بلندمدت به مشکلات امنیتی نظیر تعارضات بنیادین و اعتراضات اجتماعی و شورش‌های اجتماعی و فتنه ختم خواهد گردید.

افتخاری، اصغر و کیانی‌مجاهد، حامد (۱۳۹۸). در مقاله‌ای تحت عنوان «کالبد شکافی مفهوم نفوذ از منظر امام خمینی^(ره)» در چارچوب روش تحلیل محتوا بیان می‌دارند که مفهوم نفوذ در اندیشه امام خمینی (ره) با عنایت به علل اربعه، اساسا نقشه‌ای تدریجی، کارشناسی شده و جذابیت محور است که مجرای ارتباطی دوسویه به دنبال تاثیرگذاری بر نظام سیاسی و گروه‌های مختلف ملت است. هدف این نقشه غیرملموس، به دست عوامل خارجی قابل پیاده شدن است. که استحاله مخاطب و کار ویژه آن تهی کردن ملت و نظام اسلامی از عناصر مولد قدرت است.

روحی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «چیستی نفوذ فکری - فرهنگی» در یک روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتاب‌خانه‌ای و اینترنتی و مصاحبه با خبرگان درصدد شناخت و تبیین معنا و مفهوم و چیستی نفوذ در حوزه فکری - فرهنگی و همچنین شناسایی ارکان و مولفه‌های آن بوده است. این پژوهش به ارزیابی مفاهیم قدرت نرم، جنگ نرم، جنگ شناختی و... و تبیین نسبت این مفاهیم با نفوذ فکری پرداخته و نفوذ را تلاش یک قدرت خارجی برای تضعیف و تغییر ارزشهای حیاتی یک جامعه که برای بقای یک نظام سیاسی ضروری هستند تعریف می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های مذکور توجه چندانی نسبت به ارتباط ماهوی و کارکردی نفوذ با قدرت و سیکل تغییر پذیر قدرت در گذر تاریخ نداشته‌اند و از سوی دیگر در میان منابع ذکر شده نفوذ در چارچوب مبنای تئوریک هرچند قالب شناخت نظریه و در سطح بالاتر پارادایم از زوایای مختلف ارزیابی شده است اما نفوذ با ماهیت اطلاعاتی و همچنین

نگاه جامع و همه جانبه در قالب سطوح، رویکردها و حوزه‌ها و تکنیک‌های عملیاتی مورد بررسی قرار نگرفته است. فلذا در پژوهش حاضر در درجه اول به ارزیابی ارتباط میان قدرت و نفوذ و تغییر مندی ماهیتی و کارکردی قدرت و متناسباً نفوذ پرداخته خواهد شد و در درجه دوم به ارائه مبانی تئوریک از منظر اطلاعاتی در چارچوب مکاتب، سطوح عملیاتی، رویکردهای عملیاتی، حوزه‌ها و ابزارهای عملیاتی اقدام خواهد گردید.

روش شناسی پژوهش

منابع گردآوری داده در این پژوهش کتابخانه ای و اسنادی و استفاده از سایت های اینترنتی است و داده های گردآوری شده کیفی هستند فلذا روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. و از انجایی که هدف روش توصیفی و تحلیلی توصیف منظم، عینی و واقعی یک موضوع یا یک واقعیت است. هدف اصلی این پژوهش نیز توصیف و تحلیل مبانی و صورت بندی نظری نفوذ از منظر اطلاعاتی است.

یافته‌های پژوهش

نفوذ و اطلاعات: مساله شبکه‌ای بودن اطلاعات

اطلاعات به عنوان یک دانش استراتژیک است، که مدتهاست به عنوان یک کالای گرانبها و حیاتی برای مدیران و رهبران ملی شناخته شده است. (Waltz, 2003: 4) به نحوی که سون تزو، به عنوان یک استراتژیست نظامی در قرن ششم قبل از میلاد بیان می‌دارد «که اطلاعات وسیله ای است که فرمانروایان واقع بین و خردمند را به حرکت در می‌آورد تا دیگران را تسخیر گردانند. اطلاعات یک علم پیش برنده ای است که نمی‌توان آن را از ارواح به دست آورد بلکه باید از انسان‌ها به دست آورد چرا که اطلاعات یک پیش آگاهی منوط به موقعیت دشمن است». (سون تزو، ۱۳۶۴: ۱۵۸-۱۵۹) در واقع اطلاعات در اعصار مختلف با صورت بندی ها و ماهیت و کارکرد متناوب، ایفاگر نقش پیش برنده و سلطه گرایانه را برای افراد، گروه‌ها و حکام... بوده است و اکنون با انقلاب ارتباطات و اطلاعات در عصر جدید که الوین تافلر و هایدی تافلر از آن به عنوان عصر فراصنعتی یاد می‌کنند

همواره موجبات اهمیت روز افزون این ابزار حیاتی در جهان امروز شده است. (الوین تافلر و هایدی تافلر ۱۴۰۲: ۱۸-۲۰) مساله ای که نشان از این امر دارد که بستر خطی بودن عصر کشاورزی و صنعتی سپری شده است و اکنون در پرتو استفاده از شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی و اینترنتی و مخابراتی در عصر فرا صنعتی، و تمرکز بر انتقال سریع و آسان داده، ارتباطات پیچیده و چندبعدی و... شاهد شکل‌گیری جهانی چند خطی و پیچیده و شبکه‌ای هستیم که محوریت اصلی آن اطلاعات و ارتباطات است. به نحوی که در این بستر اطلاعات منبع اصلی ثروت و قدرت نظامی تبدیل شده است و داشتن آن به منزله داشتن ثروت و قدرت قلمداد گردیده است. (Waltz, 2003: 6) فلذا در این بستر اطلاعاتی و شبکه‌ای نفوذ یکی از مناسب‌ترین شگردهای قدیمی در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و تزریق اطلاعات بوده است و طبیعتاً از جایگاه بسیار مهمی در این حوزه برخوردار گردیده است (همان: ۷) این ابزار مهم که در پیوند با اطلاعات عجین گردیده است با قرار گرفتن در بستر عصر جدید، ماهیت و کارکردهای خود را نیز بروزرسانی کرده است و اساساً در پیوند با اطلاعات ارتباطات شبکه‌ای در عصر فرامدرن حیات یافته است.

نفوذ و قدرت: مساله عصری بودن در بستر ارتباط متقابل

قدرت و نفوذ، رابطه‌ای تنگاتنگ و همسو است که به سختی می‌توان میان آنها جدایی انداخت و از همدیگر تمیز داد. ارسطو نفوذ و قدرت را در عین این همانی در اصطلاح سیاست جای می‌دهد و سیاست را برخلاف افلاطون از آسمان به زمین منتقل می‌کند و رویکردی محسوس و عینی به قدرت و سیاست اعمال می‌گرداند. (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۸) رابرت دال قدرت را به همراه اغوا، اقناع، دست‌کاری ذهنی، اقتدار، زور و اجبار، یکی از اشکال هفت‌گانه نفوذ قرار می‌دهد. (دال و بریکنر، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۸) کی. جی. هالستی ۱ نفوذ را به عنوان ابزاری از قدرت قلمداد می‌کند. (هالستی، ۱۳۹۹: ۲۳۵) هانس جی مورگنتا ۲ کسب، و حفظ و نمایش قدرت را هدف نهایی سیاست می‌داند و اساساً نفوذ را در قالب اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» به عنوان ابزاری در جهت تحقق موازنه قدرت تعریف می‌کند. (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۳۰۳) دکتر عبدالرحمان عالم نیز، نفوذ را به عنوان یکی از مولفه‌های شکل‌دهنده به قدرت دانسته است. (عالم، ۱۳۹۲: ۹۷) بنابراین رابطه نفوذ و

1 Holsti, Kalevi Jaakko

2 Hans j. Morgenthau

قدرت یک رابطه هم‌سو و تنگاتنگ است که در بستر مطالعات قدرت‌شناسی نشان از این دارد که مفهوم قدرت در بستر دانش علوم رفتاری و توسعه فناوری‌ها و نقادی محققان، رفته رفته از گفتمان سخت به نرم و هوشمند گذر کرده و متناسباً در پی آن نفوذ نیز چنین تبدیلی یافته است. نفوذ به مثابه چهره پنهان سیاست، همواره جریان اعمال آن در طول تاریخ سیاسی ملت‌ها به دلایل مختلف یکسان نبوده است و در روند تطور تاریخی‌اش، تابع جریان قدرت و در نتیجه متأثر از سیرگفتمانی و نظام دانایی (ساختار) حاکم بر مقوله قدرت در هر عصر و فناوری‌های آن عصر بوده است. به عبارتی نفوذ در هر عصری تابع اقتضائات زمانی آن دوره از حیث موقعیت دانش، قدرت و تکنولوژی است و متناسباً با آن عصر معنا، تفسیر، و به کار برده می‌شود. از این رو اصطلاح عصری بودن، به معنای تحول و تطورپذیری از شرایط و اقتضائات زمانه است که قدرت و نفوذ متناسب با شرایط و اقتضائات هر عصری دچار تحول گردیده‌اند. (باقری چوکامی، ۱۴۰۱: ۳۴-۳۳)

مکاتب نفوذ^۱

مکاتب^۲ یا به اصطلاح چارچوب‌های ساختاری^۳ آن چارچوب‌های فکری هستند که در مقاطع زمانی مختلف بر جامعه‌ای مسلط شده، سرمشق و راهنمای افراد آن جامعه می‌شود، طوری که در چارچوب معانی، قواعد آن می‌اندیشند و عمل می‌کنند که در نتیجه سیر تحولاتی قدرت و نفوذ آنها نیز شکل گرفته‌اند و حیات یافته‌اند. سیری که در هر مقطعی از زمان ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاصی را برای قدرت و نفوذ نمایان گردانیده است. (باقری چوکامی، ۱۴۰۱: ۳۴) براساس سیر تحول قدرت در سطوح مختلف مکاتب نفوذ نیز در دوره‌های مختلف به وجود آمده‌اند که دارای شاخص‌ها و مولفه‌های خاص خود می‌باشند. سه مکتب سنتی، نوین و فرانونین در طول تغییرمندی سطوح قدرت شکل گرفته‌اند که با مطالعه در این صیورورت زمانی شاهد فاصله گرفتن نفوذ از بساطت مفهومی و عینی و نزدیک شدن به شکل پیچیده و چند ضلعی و فرانونین بوده است. در ادامه به تشریح سه مکتب نفوذ پرداخته خواهد شد.

1 Strategic structures of influence

2 Influenc schools

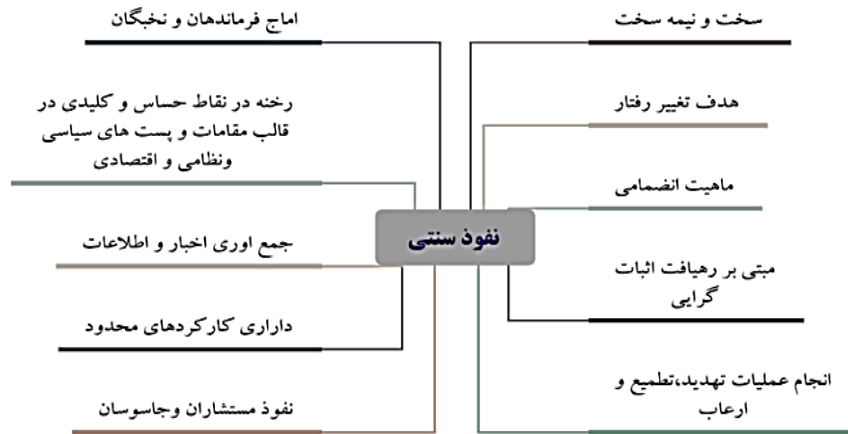
3 Structural frameworks

مکتب (چارچوب ساختاری) نفوذ سنتی^۱

نفوذ و عامل نفوذی در عصر سنتی، نیمه پنهان سیاست را تشکیل می‌دهد که به معنای رخنه در اردوگاه حریف، به منظور جمع‌آوری پنهان اسرار نظامی، خرابکاری یا اثرگذاری بر فرماندهان و سربازان برای شکست در جنگ نظامی یا اثرگذاری و جلب شخصیت‌های ذی‌نفوذ برای فراهم‌سازی سلطه سیاسی است. الگوی نفوذ در این ساختار اساساً ساده و دارای کارکردهای محدودی بود و نفوذ بیشتر در عرصه‌های نظامی و امنیتی تعریف شده است و عنصر کلیدی آن، جاسوسی و جمع‌آوری اخبار با ابزار انسانی و مشاهده مستقیم بوده است بر این اساس عملیات نفوذ توسط جاسوسان حرفه‌ای آموزش دیده، مبلغان تبشیری وابسته، شرق شناسان و سفرنامه نویسان، سفرا و هیات‌های سیاسی انجام می‌گیرد. از ویژگی‌های دیگر این ساختار می‌توان بیان داشت که در این ساختار از منابع سخت و نیمه سخت قدرت برای اثرگذاری بر حریف استفاده می‌گردید. قلمرو میدان نفوذ بیشتر فضای عینی و واقعی را دربر دارد. عمل نفوذ به صورت ماموریت محور است. ماهیت نفوذ در این ساختار امنیتی و اطلاعاتی است و کارکرد آن بیشتر جمع‌آوری اطلاعات و اخبار و شناسایی نقاط ضعف و قوت حریف برای مهار و کنترل است. روش‌های جمع‌آوری نیز محدود بوده است یعنی اطلاعات انسانی و اطلاعات فیزیکی از طریق مشاهده مستقیم، موردی و به صورت رخنه عامل یا همان جاسوس در جامعه هدف یا جذب عامل یعنی جاسوس‌گیری از جامعه هدف با تهدید و تطمیع است. بازیگران نفوذ دولت‌ها هستند که از طریق سرویس‌های اطلاعاتی تحت پوشش مستشاری و مبلغان مذهبی عمل می‌کنند و اساساً به دلیل رهیافت اثبات‌گرایی و عینی‌مدارانه در نفوذ سنتی افکار انسان در این دوره موضوعیت ندارد. (باقری‌چوکامی، ۱۴۰۱:

(۴۰-۳۳)

1 Traditional or Classical Influence



نمودار ۱: نفوذ سنتی

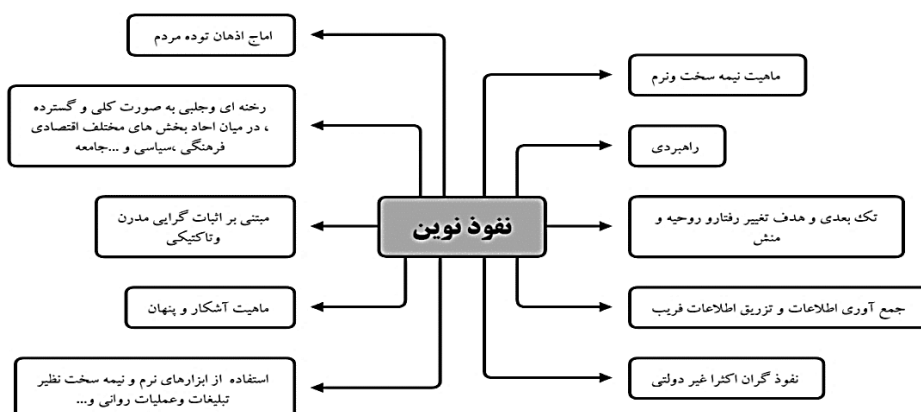
مکتب (چارچوب ساختاری) نفوذ نوین^۱

نفوذ در قرن بیستم، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد به طور ماهوی متحول شد. طوری که آماج اصلی نفوذ در این زمان، از ابعاد فیزیکی و ملموس قدرت حریف و جامعه هدف، به ابعاد ناملموس قدرت همچون روحیه و اراده ملی، ایدئولوژی و سرمایه اجتماعی با ابزارها و تکنیک‌های جدید و پیشرفته توسعه یافت در واقع نفوذ در این عصر به چهره پنهان سیاست تبدیل یافت زیرا نفوذ مدرن در این دوره، از طریق جنگ روانی پیشرفته و جنگ ایدئولوژیک برنامه‌ریزی شده دنبال گشت. عصر مدرنیته و انقلاب انالوگ و ورود تکنولوژی ارتباطی، اطلاعاتی و پیشرفت و کاربرست علوم روانشناسی باعث گردید که نفوذ هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی در قرن بیستم نسبت به نفوذ سنتی به مرحله جدیدتری ارتقا یابد به گونه‌ای که ناملموس تر گشت و مخاطبان بیشتری را در بر گرفت و در عین حال ابزارها و روش‌ها و تکنیک‌های آن نیز در مقایسه با گذشته متنوع و متکثر شد. دوره نفوذ نوین عصر تاکید گذاری بر نفوذ روانی و فرهنگی در جامعه و فرهنگ هدف بود. در کل تفاوت بازر نفوذ نوین و نفوذ سنتی در نیمه نرم شدن نفوذ، موسع شدن عرصه‌ها و اهداف نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی، فناورانه، تنوع ابزارهای نرم مانند خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها، شیوه‌های اعمال نفوذ مانند عملیات روانی^۲، استراتژی

1 New or modern influence

2 Psychological operation

فریب^۱، دیپلماسی عمومی^۲، تنوع نفوذگران اعم از دولتی و غیردولتی، افزایش کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی^۳ است. (همان، ۴۱-۴۴)



نمودار ۲: نفوذ نوین

مکتب (چارچوب ساختاری) نفوذ فرانوین^۴

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظم دوقطبی^۵ و تلاش‌های نظری و راهبردی برای استقرار نظم جدید امریکایی، تحولات شگرف فناوری‌های ارتباطی و کارکردهای متنوع و متکثر جهانی آن، شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و عصر اطلاعات، طرح نظریه‌های نرم افزار گرایایی مانند هنجاری شدن قدرت، قدرت نرم، قدرت مولد، قدرت مجازی در حوزه‌های راهبردی و امنیتی، چهره‌های جدید از قابلیت‌ها و توانایی‌های اثرگذاری به دولت‌ها داد به طوری که نفوذ و نفوذگذاری را در مقایسه با گذشته بسیار متحول تر گردانید به نحوی که الگوهای نفوذ در پایان قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم، به طور چشمگیری به سمت پنهان‌تر بودگی و تنوع و تکثر در عملکرد و ابعاد موضوعی سوق پیدا کرد. اولین و مهمترین تحول ساختاری نفوذ فرانوین در غرب تحول هستی‌شناسانه بود یعنی ماهیت و جوهر واقعیات نفوذ در عصر جدید متفاوت شد به عبارتی دیگر هستی‌شناسی نفوذ سنتی به شدت مادی‌گرایانه بود و همه واقعیات جهان و انسان در وجود ظاهری آن خلاصه بود و اساسا خصلتی مکانیکی و ریاضی داشت. اما در نفوذ فرانوین ضمن حفظ عناصر

1 Deception strategy

2 Public Diplomacy

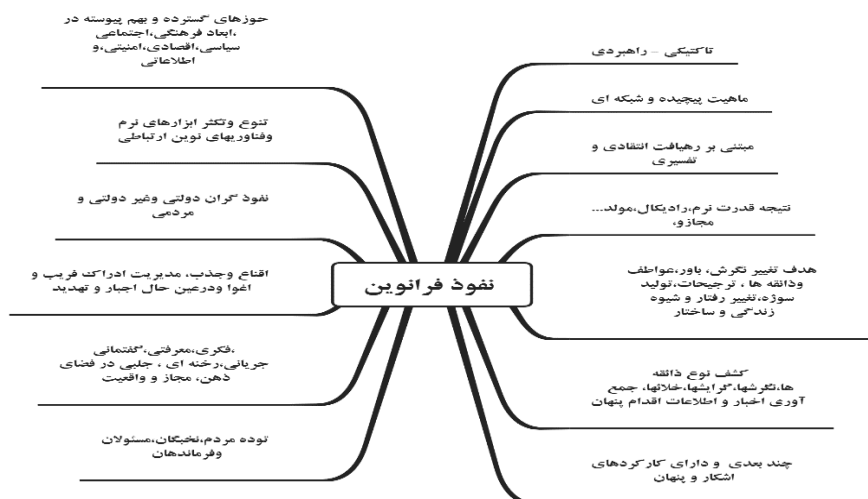
3 Intelligence and counter-intelligence organizations

4 Ultra modern influence

5 Cold war and bipolar order

هستی‌شناسانه نفوذ سنتی، تغییرات اندکی می‌کند و حوزه انسان‌شناسی را به عنوان یکی از ارکان هستی‌شناسی، در بعد روانی انسان نیز مد نظر قرار می‌دهد. در واقع انسان در دوره سنتی موجودی ابزاری ولی در دوره فرانونین موجودی روانی نیز پنداشته می‌شد.

امروزه افزون بر دولت‌ها بازیگران غیردولتی مانند نیروهای اپوزسیون و مخالف در داخل کشورها یا برخی افراد برخوردار از صلاحیت بین‌المللی، برخی جنبش‌های نوین اجتماعی، برخی احزاب سیاسی، سازمانهای مردم‌نهاد و حتی برخی شهروندان نیز به فعالیت و جمع‌آوری و نفوذ روی آورده‌اند. فعالیت نفوذ در قالب و پوشش فعالیت‌های مدنی، سمن‌ها (NGO)، فعالیت‌های رسانه‌ای، پزشکی و درمانی و عامل‌المنفعه و فعالیت‌های آموزشی و دانشگاهی، فعالیت‌های مجازی و... از ویژگی‌های دیگر در دوره فرانونین است. اساساً مسیر نفوذ فرانونین با وجود اینکه نشان از ابتدایی بودن پیمایش راه دارد اما مبین این واقعیت است که نفوذ فرانونین پنهان‌تر شدگی سیاست و یا نفوذ را در عصر جدید را با خود به ارمغان آورده است. وضعیت فناورانه عصر فرا صنعتی و منابع و ابزارهای قدرت، مقوله نفوذ را به طور ماهوی متحول ساخته؛ طوری که نفوذ فرانونین، از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، نوع قدرت و منابع آن، هدف، آماج، ابزار، شیوه‌های اعمال، نوع، ساختار، بازیگران و کارکردهای سرویس‌های اطلاعاتی در مقایسه با نفوذ سنتی و نوین تفاوت بارز پیدا کرده است. (همان: ۴۵-۴۹)



نمودار ۳: نفوذ فرانونین

سطوح عملیاتی نفوذ^۱

نفوذ و قدرت با شاخصه و ارتباطی که با هم دیگر دارند در یک این همانی زمانی با تغییر یکی دیگری نیز دچار تغییر شده است به این معنا که هرچه قدر ماهیت و ابزارهای کسب قدرت در گذر زمان تغییر کرده است نفوذ نیز در ساختارها و هم در سطح عملیاتی و شگردهای کسب و محافظت و تزریق اطلاعات تغییر کرده است. به عبارتی اگر ماهیت قدرت سخت و عینی باشد که رابرت دال از آن به عنوان سطح اول قدرت^۲ یاد می‌کند، نفوذ نیز متناسباً با تعریف خود در چارچوب ساختاری (مکتب) سخت، تعریفی عینی، فیزیکی از ماهیت و رویکردهای عملیاتی خود به عمل آورده است و یا چنانچه که با نرم تر شدن قدرت که جوزف نای از آن به عنوان سطح دوم قدرت^۳ یاد می‌کند، نفوذ نیز ضمن تغییر هماهنگ بر پایه چارچوب ساختاری (مکتب)، تعریفی ذهنی و گفتمانی از ماهیت و رویکردهای عملیاتی خود انجام می‌دهند. هم‌چنانکه در عصر فراصنعتی آلون تافلر و عصر جهانی شدن و جامعه شبکه‌ای کاستلز شاهد رونمایی از سطح سوم قدرت که به قول ژوزف نای، قدرت هوشمند یا مرکب هستیم که متناسباً موجبات تغییر و تعریف نفوذ در قالب مکتب فرانویین و سطح عملیاتی هوشمند هستیم. براین اساس سعی بر آن شده است که در ادامه به تبیین مشخصات و ویژگی‌های سطوح عملیاتی نفوذ پرداخته شود.

سطح اول عملیاتی: نفوذ عملیاتی سخت^۴

سطح اول عملیاتی نفوذ یعنی نفوذ عملیاتی سخت، در مکتب سنتی نفوذ قرار دارد و توامان با ویژگی‌ها و مشخصات سطح اول قدرت است. این نوع نفوذ تک بعدی است و عمدتاً سطح عملیاتی آن تاکتیکی، کوتاه مدت و نتیجه‌گرا است. سطح عملیاتی سخت با استفاده از قدرت امنیتی به دنبال جاسوس‌گیری به صورت موردی (فردی) است. بازیگران آن اکثراً دولتی و رسمی هستند و جامعه هدف آن عموماً دولت‌ها و ساختار و نهادهای رسمی و حاکمیتی است. کارویژه ماموریتی آن انجام اقدامات امنیتی و سیاسی است. نفوذ عملیاتی سخت غالباً ماهیت فیزیکی دارد و

1 Operational levels of penetration

۲ منظور چهره سخت و اجبارآمیز قدرت است که به تعریف رابرت دال تحمل اراده برای کنترل رفتار انضمامی بازیگر مقابل

۳ منظور چهره نرم و اقناع‌آمیز قدرت است که به تعریف جوزف نای قدرت نرم شیوه‌ای از اعمال قدرت یک بازیگر از طریق جذب و اقناع سازی کاری کند که بازیگر مقابل همان چیزی را بخواهد که او میخواهد.

4 Hard operational penetration

بر حوزه منفی نفوذ یعنی ضربه زدن و تهدید کنندگی و امتیاز گیری تاکید دارد. به همین دلیل در این سطح از عملیات نفوذ، امکان شناسایی و برخورد فیزیکی توسط بازیگر مقابل وجود دارد. از ابزارهای عملیاتی این سطح از نفوذ می‌توان به اغوا، تهدید، تطمیع، جاسوس گیری و یا استخدام همکار در درون یک کشور مستقل می‌توان اشاره داشت. اساساً هدف اولیه آن نیز جمع آوری اطلاعات و در سطح پیشرفته اخلال سازی دستگاه‌های حساس و حیاتی و حاکمیتی بازیگر مقابل است. (احمدیان، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴)

سطح دوم عملیاتی: نفوذ عملیاتی نرم^۱

سطح دوم عملیاتی نفوذ یعنی نفوذ عملیاتی نرم است که در مکتب نوین نفوذ قرار دارد و توان با ویژگی‌ها و مشخصات سطح دوم قدرت است. این نوع نفوذ تک‌بعدی است و عمدتاً سطح عملیاتی آن راهبردی، بلند مدت و هدف‌گرا است. سطح عملیاتی نرم با استفاده از قدرت اجتماعی و فرهنگی بیشتر به صورت جریانی است. بازیگران آن اکثر غیردولتی و غیر رسمی نظیر نهادهای اجتماعی و مدنی و فرهنگی و... است. جامعه هدف عموماً فرهنگ و اذهان و ادراک روانی توده مردم است. نفوذ عملیاتی نرم غالباً ماهیت غیر فیزیکی دارد و بر حوزه مثبت نفوذ یعنی ارتباط، اقناع و جذب کنندگی تاکید دارد. به همین دلیل در این سطح از عملیات نفوذ، امکان شناسایی و برخورد فیزیکی توسط بازیگر مقابل بسیار سخت است. از ابزارهای عملیاتی این سطح از نفوذ شامل تکنیک‌های جنگ روانی^۲ و رسانه‌ای^۳ از جمله تبلیغات سیاسی^۴ اعم از تبلیغات سیاه^۵ (تبلیغاتی که از منبعی غیر از منبع حقیقی است)، تبلیغات خاکستری^۶ (تبلیغاتی که در آن پشتیبان تبلیغاتی شناخته نمی‌شود) تبلیغات سفید^۷ (دستکاری اطلاعات پخش شده در رسانه‌ها بدون پنهان کردن منشأ آنها)، (Richelson, 2018: 3) و تکنیک‌های جنگ اطلاعاتی نظیر آزار و آسیب رساندن به زندگی خصوصی و اطلاعات شخصی مردم (در سطح فردی)، وارد کردن خسارت به کسب و کار سازمانهای دولتی و سرقت اطلاعات صنعتی (در سطح شرکتی و سازمانی و دولتی)، بی‌ثبات کردن جوامع، بلوک‌ها و نظامات اقتصادی، اخلال سازی و سرقت اطلاعات اقتصادی

1 Soft operational penetration

2 psychological warfare

3 media war / media warfare

4 political ads/ propaganda

5 Black ads/ propaganda

6 Gray ads/ propaganda

7 White ads/ propaganda

(در سطح بین المللی) و...می توان اشاره داشت. (تاجیک و محمدی منبع، ۱۴۰۰: ۱۰۰) هدف اصلی این سطح از نفوذ جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و درحالت پیشرفته تزریق اطلاعات هدفمند به جامعه و فرهنگ بازیگر رقیب است.

سطح سوم عملیاتی: نفوذ عملیاتی هوشمند^۱

سطح سوم عملیاتی نفوذ یعنی نفوذ عملیاتی هوشمند است که در مکتب فرانویین نفوذ قرار دارد و توانمندی با ویژگی‌ها و مشخصات قدرت هوشمند است. این نوع نفوذ چندبعدی است و عمدتاً سطح عملیاتی آن متناسب با اهداف و شناخت محیطی آمیخته‌ای از تاکتیک - راهبرد در مقطع زمانی نفوذ بلند مدت - کوتاه مدت با کارکرد عملیاتی نتیجه‌گرا - هدف مدار است. سطح عملیاتی هوشمند با استفاده از قدرت چند بعدی اطلاعاتی و ارتباطی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر به صورت شبکه‌ای است. بازیگران عملیاتی این سطح آمیخته‌ای از بازیگران دولتی و غیر دولتی، رسمی و غیر رسمی اعم از نهادهای اجتماعی و مدنی و سازمانهای حاکمیتی و سیاسی هستند. جامعه هدف نفوذ هوشمند متناسب با شناسایی محیط پیرامونی تلفیق محور عمودی - افقی است. که هم شامل اذهان و افکار توده مردم در سطح افقی است و هم شامل نخبگان، خواص و تصمیم سازان علمی، مدنی و حاکمیتی در سطح عمودی است. نفوذ عملیاتی هوشمند غالباً ماهیت فیزیکی و هم غیر فیزیکی می‌تواند داشته باشد و اینک ضمن تاکید آن با کاربرست حوزه مثبت نفوذ یعنی ارتباط، اقناع و جذب کنندگی بر جنبه منفی و تخریب کنندگی و ضربه زدن نیز تاکید دارد. در این سطح از نفوذ ابزارهای عملیاتی غالباً ماهیتی فناورانه و ارتباطی دارند، امکان شناسایی و برخورد فیزیکی توسط بازیگر مقابل را بسیار دشوار گردانیده است. از ابزارهای عملیاتی این سطح از نفوذ شامل تروریسم سایبری^۲ در جهت هک و اختلال سازی‌های الکترونیکی علیه زیر ساخت‌های دولتی، شبکه‌های برق و انرژی، نهادهای مالی و بانکی، رسانه و... (duagherty, 2004: 86) بیوتروریسم^۳ در قالب آلودگی آب و مواد غذایی (کشاورزی، حیوانی معدنی و صنعتی و...) توسط عوامل عفونی و تلقیح میکروبی (توکلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۶) آلودگی‌های تنفسی از طرق هوا و ذرات معلق (اُروسول) و آلودگی‌های باکتریایی از طریق از حشرات و حیوانات ناقل و ایجاد بیماری‌هایی نظیر وبا، طاعون، تیفوس، دیفتری، منزیت، تولارمی، تب کیو، کرونا و... (احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱-۱۰) و آلودگی‌های ژنتیکی

1 Smart operational penetration

2 Cyber terrorism

3 Bioterrorism

از طریق واکسن و دارو و ایجاد مشکلاتی نظیر نسل‌کشی و کنترل نژادی، ناباروری در مردان و زنان، عقب ماندگی و نقص‌های ژنتیکی، اوتیسم، عمرهای کوتاه، و تضعیف سیستم ایمنی بدن و ... (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷) آلودگی‌های مغزی و ادراکی از طریق تشعشعات امواج الکترومغناطیس از قبیل موج‌های ماکروویو، رادیویی، مادون قرمز، تلفن‌های همراه، رادیو، ماهواره و... (عسگری، ۱۳۹۲: ۱) با تأثیراتی همچون افزایش دمای بافت‌های مغزی و تغییر جریان الکتروشیمیایی طبیعی مغز و اختلال در یادگیری و فراموشی و تخریب پیوند و ساختار مولو و ایجاد سرطان و تومور و ضایعات مغزی مخصوصاً برای کودکان و... (صمدیان، ۱۴۰۲: ۲) دیپلماسی عمومی، جنگ شناختی^۱، جنگ رسانه‌ای و مدیریت ادراک^۲، بمباران و تحریف اطلاعاتی^۳ علیه توده مردم و تهاجم اطلاعاتی^۴، فریب اطلاعاتی^۵ علیه خواص و نخبگان دولتی و اجتماعی و... را می‌توان برای این سطح عملیاتی اشاره داشت.

جدول ۲: سطوح عملیاتی نفوذ

مکتب	سطوح قدرت	سطح عملیاتی	مقطع زمانی و مکانی	تمرکز حوزه عملیاتی	تکنیک‌ها و ابزارها	بازیگران	جامعه هدف
ستتی	اول: سخت	اول: سخت	کوتاه مدت، تک‌بعدی باحوزه مکانی مشخص	تک بعدی سیاسی، امنیتی	ترور، جاسوسی خرابکاری و ...	دولتی و رسمی	دولت‌ها، ساختار و نهادهای رسمی و حاکمیتی
نوبین	دوم: نرم	دوم: نرم	بلندمدت، تک‌بعدی باحوزه مکانی نامشخص	تک بعدی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی	جنگ روانی تبلیغات تحریم	غیردولتی و غیر رسمی نظیر نهادهای اجتماعی و مدنی ...	فرهنگ، اذهان و ادراک روانی توده مردم
فراوین	سوم: هوشمند	سوم: هوشمند	کوتاه مدت، بلندمدت باحوزه مکانی بهم پیوسته و شبکه‌ای	چندبعدی و آمیخته بر پایه شناسایی محیطی (نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی)	تروریسم و بیوتروریسم - تهاجم و فریب اطلاعاتی هک و اختلال سایبری	دولتی و غیر دولتی، رسمی و غیررسمی اعم - از نهادهای اجتماعی و مدنی و سازمان‌های حاکمیتی و سیاسی	اذهان و افکار توده مردم در سطح افقی نخبگان، خواص و تصمیم سازان علمی و، مدنی و حاکمیتی در سطح عمودی

- 1 Public Diplomacy
- 2 Cognitive warfare
- 3 Media war and perception management
- 4 Bombardment and distortion of intelligent
- 5 Invasion Intelligent
- 6 Intelligent desorption

رویکردهای عملیاتی نفوذ

عملیات های نفوذ و رویکردهای عملیاتی آن در اساس صرفا اطلاعاتی نیستند اما در عصر نوین و فرانونین تا حد زیادی از طریق سازمان های اطلاعاتی اعمال می شدند. سازمان هایی که کارویژه اصلی آنها کسب اطلاعات پنهان و تجزیه و تحلیل و در نهایت تزریق اطلاعات هدفمند به بازیگر مقابل است. نفوذ و ضدنفوذ در سیکل چرخه اطلاعاتی^۱ اساسا در همان مراحل اولیه جمع آوری اطلاعات تحقق عملیاتی پیدا می کنند چراکه با کار ویژه کسب اطلاعات پنهان از طرق اطلاعات-گیری ابزارهای انسانی و تکنولوژیک سعی در جمع آوری اطلاعات برای تجزیه و تحلیل دارند. فعالیتهایی نظیر جاسوسی^۲، ترور^۳، هک و اختلال سازی سیستمیک^۴، عملیات های شبه نظامی و سیاسی^۵، حمایت ها و محدودیت های مالی و اقتصادی^۶ و تبلیغات سیاه و سفید و خاکستری^۷ و... نمونه فعالیت هایی است که در قالب اقدام پنهان و فریب اطلاعاتی^۸ با نفوذ و ضد نفوذ تحقق عملیاتی می آید. (clark,2007: 93-94) هدف نفوذ تلاش برای کسب اطلاعات است و هدف ضد نفوذ محافظت از اطلاعات و جلوگیری از درز اطلاعات است. نفوذ فعالیتی در جهت شناسایی محیطی و جلوگیری راهبردی از شکست عملیاتی و غافلگیری راهبردی توسط دشمن است فعالیتی که به سیاستمداران و تصمیم سازان این فرصت را می دهد تا اهداف و توانمندی های واقعی بازیگر رقیب را بشناسند و در عین حال مانع از فریب خود و شکست عملیاتی خود شوند. (Halstedt,2011: 2) اما ضد نفوذ به عنوان عملیاتی در راستای پروژه ضد اطلاعات، با جستجوی فعالانه در پی یافتن نفوذی های بازیگر یا بازیگران رقیب، حفاظت از اسرار و اطلاعات خودی است که با ایجاد اطمینان در جامعه اطلاعاتی به افزایش اعتماد تحلیل گران و مصرف کنندگان در جامعه اطلاعاتی و سیاسی کمک می کند. حفاظت فیزیکی از اماکن حساس، حفاظت از اسناد با ایجاد طبقه بندی سازمانی، حفاظت شبکه ای با ایجاد کدگذاری های ارتباطی و سایبری، حفاظت پرسنلی

1 Intelligence cycle

2 espionage

3 assassination

4 Hacking and systemic disruption

5 Military and political operations

6 Financial and economic support and restrictions

7 Black and white and gray propaganda

8 deception Intelligence Covert action and

با به کارگیری افراد مورد اعتماد و متخصص و... از روش‌های مناسب حفاظتی برای اعمال کارکرد ضد نفوذ در چرخه اطلاعاتی است. (clark,2007:70-76)

در این راستا سه رویکرد عملیاتی برای نفوذ می‌توان بیان کرد که یک وجه آنها با شناسایی محیطی اهداف دشمن و تقویت پتانسیل‌های نیروهای داخلی و افزایش سطح آمادگی درونی برای مقابله با عملکردهای دشمن، به سمت خنثی‌سازی فعالیت‌های دشمن می‌رود و یک وجه دیگر آن با تزریق اطلاعات هدفمند و شناسایی نقاط ضعف و به سمت تخریب نقاط قوت و تعادلی دشمن گام بر می‌دارد. رویکردهایی که یکی با عملکرد ضد نفوذ و سیکل هرمی و تک لایه مدیریت اطلاعاتی در مسیر تدافع و پدافند عملیاتی سوق پیدا می‌کند و دیگری با عملکرد نفوذ گرایانه و سیکل پیازی و چند لایه در مسیر تهاجم و آفند عملیاتی گام بر می‌دارد. اما در این میان رویکرد ترکیبی، رویکردی تلفیقی است که با آمیختگی از دو رویکرد تک بعدی قبلی به صورت همزمان در ابعاد تدافعی و تهاجمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و اساساً با تشدید نقاط ضعف به دنبال تخریب نقاط تعادل حریف و تقویت نقاط تعادل درونی خود و درعین حال کاهش نقاط ضعف خود است. لذا این سه رویکرد شامل رویکردهای **عملیاتی تدافعی (پدافندی)** و **تهاجمی (آفندی)** و **ترکیبی (تهاجمی - تدافعی)** است که ویژگی‌های هر کدام از این رویکردها را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

رویکرد عملیاتی تدافعی (پدافندی)¹

- تک بعدی با انعطاف پذیری محدود
- خنثی کننده فعالیت‌های بازیگران رقیب و محافظ توانمندی‌های درونی خود
- عامل شناسا در فعالیت‌های بازیگر رقیب در محیط دورنی
- سیکل هرمی مدیریت اطلاعاتی (برای کسب و تجزیه و تحلیل و تزریق اطلاعات به محیط دورنی)
- محدودیت شدید اطلاعاتی (طبقه بندی شدید) و متناسباً افزایش فعالیت‌های ضد نفوذ در چارچوب ضد جاسوسی و حفاظت از اماکن و اشخاص و..
- تقویت کننده توانمندی‌های نیروهای داخلی

1 Defensive penetration approach

- ارتباط محدود خارجی و ارتباط گیری سازماندهی شده داخلی جهت جلوگیری از درز اطلاعات و آسیب دیدگی از سوی بازیگران رقیب

رویکرد عملیاتی تهاجمی (آفندی)¹

- تضعیف کننده و مخرب در توانمندی های بازیگران رقیب و کاهش توانمندی های درونی دیگری
- عامل شناسا در محیط بازیگر رقیب برای انجام فعالیت در محیط بیرونی
- سیکل هرمی مدیریت اطلاعاتی (برای کسب و تجزیه و تحلیل و تزریق اطلاعات به محیط بیرونی)
- تراکنش منظم گردش اطلاعات صحیح و غلط و متناسباً افزایش فعالیت های عملیاتی نفوذ گرایانه
- ارتباط هدفمند و سازماندهی شده خارجی جهت کسب اطلاعات و اعمال فشار به بازیگر رقیب
- انعطاف پذیری محدود

رویکرد عملیاتی تهاجمی - تدافعی (آفندی - پدآفندی)

- تضعیف کننده و مخرب توانایی های بازیگران رقیب و عامل حفظ و افزایش توانمندی های درونی
- سیکل پیازی و چند لایه مدیریت اطلاعات (برای کسب و تجزیه و تحلیل و تزریق اطلاعات)
- توانایی عامل شناسا در فعالیت های بازیگر رقیب در محیط درونی با عامل شناسا در محیط بازیگر رقیب
- سیکل پیازی و چند لایه مدیریت اطلاعاتی
- تراکنش بالای گردش اطلاعات صحیح و غلط و متناسباً افزایش فعالیت های عملیاتی نفوذ و ضد نفوذ گرایانه در چارچوب بیروتوریزم، هک و اختلال سازی سایبری، فریب اطلاعاتی ..
- ارتباط چند لایه خارجی و داخلی، ارتباط گیری شبکه ای و غیر خطی جهت کسب و حفظ اطلاعات خودی و تزریق اطلاعات و اعمال فشار به دیگری

1 Aggressive infiltration approach

- انعطاف‌پذیری گسترده و چند لایه

حوزه‌های نفوذ: ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی^۱

انجام عملیات نفوذ در حوزه‌های مختلف با ابزارهای خاص منوط به هر کدام انجام می‌گیرد، حوزه‌هایی سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌تواند بستر و یا به اصطلاح حوزه عملیاتی نفوذ قلمداد گردند که هر کدام از این حوزه‌ها دارای شرایط و ویژگی‌های و اهداف و تکنیک‌های عملیاتی خاص خود است.. لذا در ادامه به بررسی ابعادی از نفوذ، در حوزه‌های مختلف نفوذ و ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی هر کدام از این حوزه‌ها پرداخته خواهد شد.

حوزه سیاسی - امنیتی - نظامی: ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی^۲

حوزه سیاسی - امنیتی از بسترهای مهم نفوذ است. حوزه سیاسی و امنیتی در عصر سنتی، بستری مناسب برای اعمال معمولاً سطح اول عملیاتی نفوذ (سخت) بوده است. این حوزه با تغییر ماهیت قدرت و نفوذ در عصر ارتباطات و اطلاعات عمدتاً بستری توسعه‌مند برای کاربست سطح سوم عملیاتی نفوذ تبدیل گردیده است. این حوزه که بیشتر منوط به عملکرد لایه‌های پنهان سرویس - های اطلاعاتی بازیگران متخاصم و رقیب در قبال یکدیگر است. (رحیمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۳) به چهار، قسمت تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان، مردم و نیروهای نظامی تقسیم گشته است: کمک مالی سیاستمداران و و تامین بودجه مراکز تصمیم‌گیری، ایجاد خبرگزاری‌ها، احزاب و گروه‌های ذینفوذ همسو برای جریان‌سازی، جاسوسی و کسب اطلاعات خصوصی از سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان حکومتی و تهدید به افشای اطلاعات، سرقت اسناد، ترور سیاستمداران مخالف (- Tromblay, 2018:1) و تزریق اطلاعات و فریب اطلاعاتی برای غافل‌گیری و اشتباه محاسباتی تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان و... (کلارک و میتچل، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۰) مجموعه ابزارهایی است که می‌توان برای نفوذ در عرصه تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازی اعمال کرد. همچنین می‌توان ادعان داشت که کاهش سرمایه اجتماعی مردم نسبت به ساختار و عملکرد سیاسی حکومتها جهت کاهش مشارکت سیاسی و متناسباً مقبولیت و مشروعیت سیاسی و افزایش هزینه حکومتها برای اعمال تصمیمات به دلیل عدم پشتوانه‌سازی مردمی از جمله عملکردهای سیاسی در ابعاد مردمی

1 Areas of influence: operational tools and techniques

2 Political-security-military field: operational techniques and tools

است (رحمت‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۴۸-۴۴۷) کسب اسرار نظامی نظیر آرایش جنگی و اطلاعات پایه در خصوص نیروهای نظامی یک کشور (تعداد نیروی انسانی، میزان و نوع سلاح و تجهیزات، ساختار سازمانی و...)، نحوه آموزش و جنگیدن نیروهای نظامی و جابه‌جایی نیروها در میدان نبرد از طرق تماس‌های آشکار و ابستگان و دیپلمات‌ها با نظامیان حریف، مشاهده آرایش تمرینات نظامی چه از طریق مستقیم و چه از طریق سیستم‌های جمع‌آوری فنی و یا جاسوسی منابع انسانی از جمله عملکردها و تکنیک‌های عملیاتی در عرصه نفوذ نظامی می‌توان قلمداد کرد. (تاجیک و محمدی، ۱۴۰۰: ۴۲)

حوزه فرهنگی: ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی^۱

حوزه فرهنگی توأمان با عصر مدرن و ورود به انقلاب صنعتی و تحول در ارتباطات و اطلاعات، متناسباً ظهور ایدئولوژی‌های عالمگیر مانند نازیسم، کمینسم، لیبرالیسم و...، غالباً حوزه‌ای مناسب برای سطح عملیاتی دوم نفوذ (نفوذ نرم) بوده است. روندی که با در هم تنیدگی اطلاعات و ارتباطات جهانی و شکل‌گیری دنیای شبکه‌ای در اثر انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و ورود به عصر فرانونین تکمیل گردید و براین اساس حوزه فرهنگی به عنوان بستری بسیار مهم برای سطح سوم عملیاتی نفوذ یعنی نفوذ هوشمند (مرکب) تبدیل شده است. فرهنگ در برگیرنده هزاران هنجار، ارزش، باور، رفتارها، واکنش‌ها، ارزش‌ها و مقاصدی که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می‌کند. فرهنگ عبارت است از آنچه که یک ملت دارد و از آنچه که انجام می‌دهد و هر آنچه که می‌اندیشد. (آشوری، ۱۳۵۷: ۵۱) حوزه فرهنگی در بستر نفوذ به دلیل تاثیر عمیقی که در بلندمدت بر سایر حوزه‌های دیگر اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... برجای می‌گذارد، از حوزه‌های عمیق و تاثیرگذار در عرصه نفوذ است. (فتحی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴۸) هدف اصلی در نفوذ فرهنگی تغییر باورها و ارزشهای حاکم بر یک جامعه است.

1 Cultural field: operational techniques and tools

۲ منظور انتظارات رفتاری است

۳ معیار تعیین مطلوب یا نامطلوب، بد یا خوب و فزونی یا زیان

۴ تصویری در باره عالم و اجزای آن

۵ اشیاء کنش‌ها یا اصواتی که از لحاظ اجتماعی معنایی خاص می‌یابند.

باورها و ارزش‌هایی که توانسته است جامعه را سرپا نگه دارد. (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۴/۶/۲۵) از مهمترین ابزارهای فرهنگی برای نفوذ خانواده، آموزش و پرورش (مدارس، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و موسسات خصوصی) مطبوعات، نشریات و کتب چاپی، هنر و رسانه (سینما، تئاتر و عکاسی و شعر، موسیقی، معماری، گرافیک ...)، سبک زندگی (آداب و رسوم محلی، زبان و گویش، پوشش، ازدواج، مناسک دینی ...) است و از مهمترین تکنیک‌های عملیاتی برای نفوذ و تغییر باورها و ارزش‌های یک جامعه می‌توان به استحاله فرهنگی و ترویج مصرف‌گرایی، جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی، فساد زایی در میان قشر جوان، انحراف افکار عمومی، مباران اطلاعاتی و شایعه‌پراکنی و... اشاره داشت. (فتحی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۳۰-۲۰۲)

حوزه اجتماعی: ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی^۱

حوزه اجتماعی همانند حوزه فرهنگی غالباً توأمان با سطح عملیاتی دوم نفوذ (نفوذ نرم) است. نوع نگاه حوزه اجتماعی به محیط پیرامونی برعکس حوزه سیاسی - امنیتی - نظامی، در قالب نهادسازی و قانون و نبود بی‌نظمی قرار دارد براین اساس این حوزه بر رویکرد اقناعی و گفت‌وگومانی بر فضای روابط متقابل اجتماعی جهت تامین منافع و اهداف تاکید دارد. حوزه اجتماعی با انقلاب اطلاعات و ارتباطات و تحولات الکترونیکی و انفورماتیکی در عصر جهانی شدن، بستری مناسب برای سطح عملیاتی سوم نفوذ یعنی هوشمند(مرکب) قرار گرفته است. از مهمترین ابزارهای اجتماعی برای نفوذ می‌توان به مواردی از جمله الف) نهادهای اجتماعی و مدنی: خانواده، دوستان و همسالان، آموزش و پرورش (مدارس، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و موسسات خصوصی)، ب) نهادهای سیاسی: حکومت، احزاب، گروه‌های ذینفوذ، مطبوعات، رسانه ج) نهادهای دینی: مساجد، کلیساها، انجمن‌های و فرق مذهبی، و ... د) نهادهای اقتصادی: سندیکاها و اتحادیه‌های و بنگاه‌های صنفی، صنعتی و تولیدی، مراکز بیمه، بانکها و اشکال و انواع روش‌های دیگر برای اطاعت‌پذیری، رهبری، اقناع‌سازی، فروش، بازاریابی اشاره داشت. (گیدنز و ساتن، ۱۴۰۲: ۲۲۲) نتیجه بکارگیری ابزارها و تکنیک‌هایی از این نوع در نفوذ اجتماعی و روابط متقابل شامل سه پیامد اساسی پذیرش، اطاعت و هم‌رنگی است.

1 Social field: operational techniques and tools

پذیرش یعنی اجابت یک درخواست صریح و مستقیم در حضور دیگران به این معنا که مردم هنگام پذیرش یک درخواست مستقیم، ممکن است قلبا با آن درخواست موافق باشند یا مخالف یا ممکن است نظری در مورد آن نداشته باشند. پذیرش ظاهری یا قبول یک درخواست مستقیم علیرغم میل باطنی، به این دلیل روی می‌دهد که واکنش و پاسخ دیگران در صورت رد تقاضایشان برای افراد اهمیت دارد.

اطاعت عبارت است از، اجرای یک دستور مستقیم که معمولا صادر کننده آن، شخص قدرتمند و دارای پایگاه بالای اجتماعی است. در مواقعی که خواست‌های دیگران را نمی‌پذیریم این پیامد بسیار رایج است.

همرنگی عبارت است از تقلید کردن از رفتارها و عقاید سایر اعضا به این معنا که اعضای جامعه و گروه همواره سعی در همنا کردن افراد در یک موضوع یا حوزه یکسان با خود را دارند و اساسا جوامع و گروهها به افراد ناهمنوا روی خوش نشان نمی‌دهند ممکن است واکنش‌های منفی از جمله تنبیه و منزوی کردن و محروم سازی از حقوق اجتماعی را اعمال کنند و یا در مقابل به گروه‌های همنا مزایایی از جمله پاداش مادی و احترام اجتماعی و... در جهت القای رفتار درست و تهییج سازی افراد همنا به سمت هم‌رنگی اعمال گردانند. (فرانزوی، ۱۴۰۰: صص ۱۷۹-۱۷۷) در نفوذ اجتماعی می‌توان از تکنیک‌هایی مانند اعتماد و محرم سازی افراد برای جلب اسرار پنهانی، ایجاد تمایل و علاقه در جامعه هدف، تحریک احساسات و عواطف، ایجاد ارتباطات مستمر و تدریجی با افراد جامعه هدف، سست نمودن باورها و اعتقادات دینی، ایجاد اختلافات قومی و مذهبی، ترویج شبهات، بی‌مبالاتی و ولانگاری اخلاقی در جامعه مخصوصا میان اقشار مولد و جوان، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی تغییر نگرش استفاده به عمل می‌آید. (فولادی و بناکار، ۱۳۹۶: ۵۵) که اعمال این شگردها از طریق ابزارهایی نظیر فناوری‌های نوین ارتباطی در قالب رسانه‌های تبلیغاتی و شبکه‌های مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و هوش مصنوعی و کانال‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، کتاب و نشریات، روزنامه و مطبوعات، دین و مذهب اماکن دینی و فرهنگی، نوع ورزش و اماکن ورزشی، زبان و آموزشگاه‌های زبان و هنر و معماری،... قابل اعمال است. (همان: ۶۲-۶۵)

حوزه اقتصادی: ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی^۱

حوزه اقتصادی به دلیل وجود قانون و کارکرد بازدارنده آن از یک سو و تاثیرگذاری شدید آن بر مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه غالباً بستری مناسب برای اعمال سطح دوم عملیاتی نفوذ (نرم) بوده است. حوزه اقتصادی در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات، با سیطره اقتصاد سرمایه‌داری، کارتل‌ها و تراست و شرکت‌ها چندملیتی و هم‌خوانی با فرهنگ و سبک زندگی لیبرالیستی بستری توسعه‌مند برای کاربری سطح سوم عملیاتی نفوذ (هوشمند) تبدیل گردیده است.

سه رویکرد ابزار عملیاتی به صورت کلی برای نفوذ در بستر اقتصادی را می‌توان برشمرد که کدام از این ابزارها دارای تکنیک‌های عملیاتی منوط به خود هستند:

وابستگی اقتصادی

وابستگی فکری و عدم توجه به توسعه و تولید بومی و نهایتاً الگودهی توسعه در مسیر وابستگی توسط افراد وابسته (مرادیان، ۱۳۸۵: ۷۴) خام‌فروشی و مصرف‌گرایی، سرمایه‌گذاری بازیگران قدرتمند در زیرساختها و مراکز حساس تولیدی استفاده از آن به عنوان اهرم اجبار و تحریک، گرفتن تسهیلات پولی و وام‌های سنگین و متقابلاً فروش و اجاره نقاط استراتژیک (تله بدهی) (Smite, 2018: 2-3) تولید سنتی و پرهزینه، فقدان دانش و فناوری‌های پیشرفته تولید، بسته‌بندی و انتقال در بستر عصر جدید (تولید و تجارت الکترونیکی). (صلاح منش و یعقوب اندایش، ۱۳۸۸: ۸۲) و... از تکنیک‌های عملیاتی است که موجب وابستگی و نفوذ اقتصادی بازیگر رقیب می‌گردد.

تخریب واخلال سازی پتانسیل‌های اقتصادی

در عصر فرانوین اطلاعات و ارتباطات، اقدامات تخریب‌کننده و اخلالگر با کارویژه سایبری نمونه بسیار مناسب جهت تضعیف پتانسیل‌های اقتصادی یک بازیگر می‌تواند باشد. حملات سایبری به نقاط اقتصادی در جهت جاسوسی فناورانه، اخلال سازی در خدمات‌دهی اقتصادی و از کار انداختن مشاغل و بانک‌ها، انتشار اطلاعات حساب سرمایه‌گذاران، هک حساب‌های تجاری و دزدی مالی و متناسباً سلب اعتماد و فرار سرمایه و.. از تکنیک‌های عملیاتی در جهت تخریب و اخلال‌سازی اقتصادی است. (تاجیک و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۲۸-۲۲۷)

1 Economic field: operational techniques and tools

اقدامات محدود کننده (تحریم) و انزوای اقتصادی

تحریم به عنوان ابزاری اقتصادی در جهت تاثیر گذاری بر تصمیمات و رویکردهای بازیگران (دولت‌ها) با دامنه‌های اثر مختلف تعریف گشته است. (7: Simons, 2008) در واقع کارکرد تحریم به دلیل ارتباط متقابل اقتصاد با سایر حوزه‌های نفوذ است که به صورت ترکیبی بر دولت و جامعه بازیگر مقابل جهت انزوا و تغییر رویکرد تاثیر گذار است. تحریم‌های اقتصادی ممکن است در حوزه تجاری با محدود کردن یا قطع روابط وارداتی و صادراتی کالا و جابه جایی منابع مالی مربوط به مبادله باشند و یا ممکن است در حوزه مالی به منظور فشار بر روابط مالی و محدودیت در سرمایه‌گذاری، تامین مالی و معاملات مالی کشور هدف مورد استفاده قرار گیرند. (9: Drury, 2005) لغو موافقت نامه‌های تجاری و پروژهای مشترک، ممنوع کردن واردات تکنولوژی، سیاست تبعیض آمیز تعرفه‌ای، تحدید و توقیف کلی صادرات از جمله تحریم‌های اقتصادی از نوع تجاری هستند و ممنوعیت بیمه‌ها و سایر خدمات مالی، مالیات بر صادرات کشور تحریم شده، ایجاد محدودیت‌های بانکی و مالی، بلوکه دارایی‌های خارجی، ممنوعیت محصولات خام و جلوگیری از سرمایه‌گذاری از تکنیک‌های اقتصادی در جهت تحریم اقتصادی از نوع مالی هستند. (همان: ۱۰-۱۲)

نتیجه‌گیری

ارتباط متقابل میان نفوذ و قدرت همواره وجود داشته است. نفوذ ابزار کسب، حفظ و افزایش و نمایش قدرت است. قدرت با تغییر ماهیت و کارکرد در گذر زمان در انواع سخت، نرم و هوشمند (مرکب) حیات یافته است و به تبع تغییر ماهیت و کارکرد آن، نفوذ نیز به عنوان ابزار قدرت در انواع سخت، نرم، هوشمند تجسم پیدا کرده است. مکاتب نفوذ از دل تغییرات شکل پیدا کرده‌اند که هر کدام از این مکاتب، مولفه‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارند. مکاتبی که در اعصار بر کار کردها و ماهیت نفوذ تاثیر گذار بوده‌اند و هر کدام از منظر خود به نفوذ نگاه کرده‌اند. این مکاتب شامل سنتی، نوین و فرانوین است. سطوح عملیاتی نیز در قالب‌های سگانه سخت و نرم و هوشمند بر پایه مکاتب نفوذ به وجود آمده‌اند که هر کدام از این سطوح در باب نحوه انجام

عملیات و اهداف و ابزارهای مورد بهره‌برداری با همدیگر متفاوت هستند. متناسباً رویکردهای عملیاتی نفوذ نیز در قالب سه رویکرد تدافعی، تهاجمی، ترکیبی از تدافعی و تهاجمی قرار شکل پیدا کرده‌اند. رویکردهایی که با ماهیت عملکردی در قالب، محافظت و یا تزریق اطلاعات هدفمند به بازیگر رقیب قرار گرفته‌اند. حوزه‌هایی نیز برای نفوذ نیز در چهارشاخه اصلی سیاسی-امنیتی-نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است که هر کدام از این حوزه‌ها دارای ابزارها و تکنیک‌های عملیاتی مربوط به خود می‌باشند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ابوالحمد، عبد الحمید (۱۳۸۴). مبانی سیاست. تهران، انتشارات توس، چاپ دهم
- احمدی، علی و محمد حسین احمدی (۱۴۰۱). مروری بر بیوتروریسم و ارتباط آن با ویروس کرونای نو ظهور، مجله بیوتکنولوژی سلولی و مولکولی، شماره چهل و ششم، صص ۲۴-۹
- احمدیان، علی اکبر (۱۳۹۴). نظریه نفوذ؛ تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید (بابره گیری از دیدگاهها و بیانات امام خامنه‌ای «حفظه الله»)، فصلنامه آفاق امنیت، شماره بیست و هشت، صص ۳۵-۶۸
- افتخاری، اصغر و کیانی مجاهد، حامد (۱۳۹۸). کالبد شکافی مفهوم نفوذ از منظر امام خمینی (ره)، دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره اول، صص ۷۱-۱۰۵
- آشوری، داریوش (۱۳۵۷). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران، انتشارات اسناد فرهنگی آسیا، چاپ اول
- باقری چوکامی، سیامک (۱۴۰۱). چهره پنهان سیاست؛ بازشناسی تحول نفوذ از نیمه پنهان به پنهان تر، قم، انتشارات زمزم هدایت (پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)). چاپ دوم
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۶). تحول پارادایمی نفوذ و ملاحظات امنیتی، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، شماره ۲، صص ۲۴-۱
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دیدار با فرماندهان سپاه در حسینیه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۴/۶/۲۵
- تاجیک، هادی و محمدی منبع، احسان (۱۴۰۰). تهاجم اطلاعاتی؛ مبانی مفاهیم و رویکردها، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(ع)، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم(ص). چاپ اول
- تافلر؛ آلوین (۱۳۷۳) موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، انتشارات فاخته با همکاری سیمرغ، چاپ نهم
- تافلر، آلوین و تافلر، هایدی (۱۴۰۲) به سوی تمدن جدید (سیاست در موج سوم)، تهران، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر نو، چاپ اول
- توکلی، حمیدرضا؛ صراف‌پور، رضا و صمدی، محمد (۱۳۸۴). آب و غذا و بیوتروریسم. فصلنامه طب نظامی، شماره هفتم، صص ۷۵-۸۲
- حمزه پور، علی (۱۳۹۶). نفوذ فکری و فرهنگی و چالش‌های امنیتی پیش رو با تاکید بر مصرف رسانه‌ای نوین در کشور، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۵، صص ۱۵۶-۱۲۱
- دال، رابرت آ. و استاین، بریکتر بروس (۱۳۹۴). تحلیل سیاسی مدرن. ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران، انتشارات فرهنگ جاوید، چاپ دوم
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران، انتشارات دانشگاه تهران و روزنه، جلد چهاردهم، چاپ دوم

- ریبعی، حسین (۱۳۹۹). تحول مفهوم قدرت در قرن بیست و یکم و آینده توازن قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، شماره ۱، صص ۵۶-۶۹
- رحمت‌اللهی، حسین؛ آقامحمدآقایی، احسان و بالوی، مهدی (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی، دولت و مشارکت مردم، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره سوم، صص ۴۳۵-۴۶۱
- رحیمی، بهمن، ایزدی، فواد، سام دلیری، کاظم، ثناقربانی، جلال، رضایی بجستانی، محمدرضا، موسوی امیرآباد، عاطفه (۱۴۰۱). طرح راهبردی مقابله با نفوذ امنیتی - اطلاعاتی آمریکا در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر آراء و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله)، فصلنامه امنیت ملی، شماره چهل و سوم، صص ۳۳-۶۶
- روحی، مهدی؛ فیروزکوهی، مهدی؛ کریم زاده، علی؛ برزنونی، محمدعلی؛ حمزه پور، علی و صفری، ابراهیم (۱۴۰۱). چستی نفوذ فکری و فرهنگی، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۵۴، صص ۲۴۵-۲۷۵
- زرقانی، سیدهادی؛ نسیمی، زهرا و خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۷). بیوتروریسم و تاثیر آن بر امنیت شهروندان، دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی - شهری، شماره پنجم، صص ۱۷-۳۰
- جقسون، تزو (۱۳۶۴) هنر جنگ، ترجمه حسن حبیبی، تهران، انتشارات قلم، چاپ دوم
- سید جواد، موسوی زارع؛ زرقانی، سیدهادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل جایگاه علوم فناوری در عرصه قدرت سخت، نرم و هوشمند، فصلنامه ژئوپلتیک، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۳۸
- صلاح منش، احمد و اندایش، یعقوب (۱۳۸۸). تاثیر نفوذ تجارت الکترونیکی بر سطح تولید و قیمت سایر بخش‌های اقتصادی به تفکیک گروه‌های کالایی با رهیافت داده - ستاده، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره دوازدهم، صص ۸۲-۱۰۸
- صمدیان، محمد (۱۴۰۲). تاثیر امواج موبایل بر مغز انسان، کنگره علمی سالانه جامعه جراحان ایران، دوره چهل و چهارم
- طالیس، ارسطا (۱۳۶۴). سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات سپهر، چاپ چهارم
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۴). بنیادهای علم سیاست. تهران، نشرنی، چاپ بیستم هفتم
- عسگری، مسعود (۱۳۹۲). بررسی اثر امواج الکترومغناطیس بر روی مغز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران، انتشارات راه رشد، چاپ اول
- فتحی، احمد علی؛ صاحبکاری، اسدالله و منفرد، محمد (۱۴۰۰). نفوذ فرهنگی، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)، چاپ اول
- فرانزوی، استفن آل. (۱۴۰۰). روانشناسی اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروز بخت و مهرداد قنادیان، تهران، انتشارات رسا، چاپ هشتم

فولادی، محمد و بناکار، رویا (۱۳۹۶). شیوه‌ها و شگردهای نفوذ اجتماعی، فرهنگی؛ با تاکید بر نظریه استفاده و خشنودی و نقش شبکه‌های اجتماعی در نفوذ، فصلنامه معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره دوم، صص ۸۰-

۵۵

کاستلز، مانوئل (۱۴۰۲). عصر اطلاعات: اقتصاد جامعه و فرهنگ، ویراست دوم، جلد اول (ظهور جامعه شبکه-ای). ترجمه احد علیقلیان، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو و همکاری نشر آسیم، چاپ اول
 کلارک، رابرت ام؛ میتچل، ویلیام آل (۱۴۰۰). فریب، ضدفریب و ضد اطلاعات. ترجمه احسان محمدی منیع و حسین عربیان. تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص)، چاپ اول

گل محمدی، احمد (۱۳۹۲). جهانی شدن و فرهنگ، هويت. تهران، نشر نی، چاپ ششم
 گوهری مقدم، ابوذر و کیانی مجاهد، حامد (۱۳۹۷). تحلیل سیستمی مساله نفوذ و منظومه اثرگذاری آن با تاکید بر ابزارهای نوین دیپلماسی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره هشتادم، صص ۱۵۹-۱۸۲
 گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ (۱۴۰۲). مقدمات جامعه شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، چاپ دوم
 مرادیان، محسن (۱۳۸۵). درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران، انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی، چاپ اول

مرکز بررسی های استراتژیک دفتر ریاست جمهوری (۱۳۹۴). گزارش نفوذ و ضد نفوذ: مفاهیم، ابعاد و انواع. مطالعات سیاسی، معاونت پژوهش های سیاسی و حقوقی و گروه مطالعات بنیادین حکومتی. (۱۳۹۸). مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۳۳۰، شماره مسلسل ۱۶۶۸۴

مسعود نیا، حسن، فتاحی اردکانی، حسین و امام جواد زاده، سید جواد. (۱۳۹۷). تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم، هوشمند). فصلنامه مطالعات نرم، شماره هیجدهم، صص ۱۳۰-۱۵۲

مورگنتا، هانس. جی (۱۳۸۹). سیاست میان ملت‌ها؛ تلاش در راه قدرت و صلح. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چاپ چهارم

نای، جوزف (۱۳۹۲). آینده قدرت. ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی چاپ اول
 نای، جوزف. اس (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن پژوه، الهام شوشتریزاده، تهران، نشر نی، چاپ اول

منابع انگلیسی:

Baylis, John; Smith, Steve and Patricia Owens (2013). International and Global security in the post- cold War Era, in the globalization of world politics: an introduction to international Relations, New York. Published Oxford, by Oxford University Press
 Clark. j. Ranson (2007). Intelligence and national security: a reference handbook. British Library Cataloguing in Publication Data is available.

- Daugherty, Willam. J. (2004). Executive secrets: covert action and the presidency, New York, Published by University of Kentucky. UKnowledge
- Drury A. Cooper (2005). Economic Sanctions and presidential decisions, Models of Political Rationality, New York, Published by Palgrave Macmillan
- Halstedt, G.P (2011). Spies, wiretaps, and secret operations: an encyclopedia of American espionage, volume 1. Santa Barbara, California; abc - clio
- Merriam Webster's Collegiate Dictionary. New York, Published by Merriam Webster, 11ed.
- Nye Jr, Joseph. S. (2004). SOFT POWER and American foreign policy, New York, Published by academy of political science Webster, Merriam: (2003).
- Nye, Jr. Joseph.S. (2004). SOFT POWER The Means to Success in World Politics. New York, Published by Public Affairs TM a member of the Perseus Books Group.
- Richelson, Jeffrey. T. (2018). THE U.S. intelligence community. New York, Published by Routledge
- Richter, Alexander (2022). A Theoretical Framework and Constructed Model for Sharp Power, USA, Open Journal of Political Science, 12, pp 652-669
- Simons, Geoff (2008). Imposing Economic Sanctions Legal Remedy or Genocidal Tool? London Sterling virginia, Published by Plato press
- Shao, Jingkai (2019). Exploring China's "Sharp Power": Conceptual Deficiencies and Alternatives, Graduate School of International Culture and Communication Studies, Vol.6-2, pp 129-148
- Smith, Jeff M. (2018). China's Belt and Road Initiative: strategic implications and International Opposition, the heritage Foundation
- Suzanne Nossel (2004). Smart power. Published by the council on Foreign affairs U.S.
- Tromblay, Darren. E. (2018). Political Influence Operations How Foreign Actors Seek to Shape U.S. Policy Making, New York – London, Published by Rowman & Littlefield
- Waltz, Edward (2003). Knowledge management in the intelligence enterprise. London. Published by British Library Cataloguing in Publication Data

